

ولایتمداری؛ حقیقت ایمان و راز ماندگاری در مسیر حق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا ابالقاسم
المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين.
اوصيكم عبادالله و نفسى بتقوى الله.

انگیزه سازی:

«در روزهای سختِ پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، زمانی که غبار
فتنه‌ها فضا را تیره کرده بود، مردی از صحابه بزرگ پیامبر، جابر بن عبدالله
انصاری، در حالی که پیرمردی فرتوت شده بود، در کوچه‌های مدینه قدم
می‌زد.

او که روزگاری در رکاب پیامبر (ص) برای اعتلای اسلام جنگیده بود، حالا
در عصرِ غربتِ حق، به دنبال راهی برای ابراز وفاداری بود. روزی از او
پرسیدند: «ای جابر، چرا این چنین نگران و در تکاپویی؟»

او پاسخ داد: «من از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: یا جابر، تو آن قدر
زنده می‌مانی تا مردی از خاندان من را ملاقات کنی که نامش نام من و
شمایلش شمایل من است. او دانش را می‌شکافت آن‌چنان که گاو زمین را
برای کشت می‌شکافت. من تمام عمرم را به انتظارِ آن لحظه نشستم تا نه
تنها او را ببینم، بلکه در رکابش باشم.» جابر تنها به دیدن امام باقر(ع)
اکتفا نکرد؛ او در اوج کهنولت سن، وقتی امام محمد باقر (ع) را در دوران
جوانی یافت، چنان با تواضع و عشق در برابر ایشان تسلیم شد که گویی
در برابر خود پیامبر است. جابر نه تنها حق ولایت را شناخت، بلکه تمام
هستی و اعتبارِ اجتماعی خود را در پای آن گذاشت.

دوستان و سروران عزیز!

این داستانِ جابر، مشقِ ولایتمداری است. او به ما یاد می‌دهد که
ولایتمداری، یک حس قلبی خشک و خالی نیست؛ بلکه یک «حرکت
مستمر» است. همان‌طور که جابر تمام عمرش را منتظرِ اطاعت از «ولّ
خدا» سپری کرد، ما نیز امروز در دهه ولایت باید از خود بپرسیم: آیا در
لحظه‌های حساس زندگی، زمانی که خواسته‌ی شخصی ما با حکمِ ولایت
تلاقی می‌کند، کدام‌یک را انتخاب می‌کنیم؟».

ایام پربرکت دهه ولایت، از عید سعید قربان تا عید بزرگ غدیر، فرصت بسیار ارزشمندی است برای بازخوانی یکی از اساسی‌ترین مفاهیم مکتب اهل بیت علیهم‌السلام؛ یعنی مسئله «ولایت‌مداری».

غدیر، صرفاً اعلام یک جانشینی تاریخی نبود؛ بلکه ترسیم یک مسیر دائمی برای هدایت بشر بود. مسئله این نیست که فقط انسان، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را دوست داشته باشد؛ بلکه مسئله اصلی آن است که در مقام عمل، تابع ولایت باشد و در مسیر ولّی خدا حرکت کند.

یاران حقیقی امیرالمؤمنین (ع)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه‌ای جانسوز، پس از جنگ صفین، از یاران وفادار خود یاد می‌کنند. حضرت با حسرت فرمودند:

«أَيْنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ؟ أَيْنَ عَمَّارٌ؟ أَيْنَ ابْنُ التَّيِّهَانِ؟ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ؟»^۱

سپس از آنان چنین یاد می‌کنند که: آنان قرآن را تلاوت کردند و به آن عمل نمودند، واجبات را برپا داشتند، سنت‌ها را احیا کردند، بدعت‌ها را از میان بردند، دعوت جهاد را اجابت کردند و مطیع رهبر و امام خویش بودند.

در نقل‌ها آمده است که حضرت پس از یاد این یاران، محاسن شریف خود را گرفتند و گریه طولانی کردند. این صحنه نشان می‌دهد که در نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ارزش انسان‌ها به میزان «ولایت‌مداری» آنان است؛ نه صرف ادعا، نه شعار، و نه حتی حضور ظاهری در جامعه دینی.

حقیقت ایمان در قرآن

خدای متعال در سوره نساء می‌فرماید:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۲

علامه طباطبایی رحمه‌الله در تفسیر المیزان ذیل این آیه می‌فرمایند: ایمان حقیقی زمانی تحقق پیدا می‌کند که انسان هم در ظاهر و هم در

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲

۲. نساء، ۶۵

باطن، تسلیم حکم رسول خدا باشد. این آیه سه مرحله مهم را برای ایمان بیان می‌کند:

۱. **پذیرش مرجعیت پیامبر و ولی الهی؛** یعنی در اختلاف‌ها و تصمیم‌ها، داوری نهایی را از آن ولی خدا بدانیم.
 ۲. **نداشتن حرج قلبی؛** گاهی انسان در ظاهر می‌پذیرد اما در درون، ناراضی است. قرآن می‌فرماید مؤمن واقعی کسی است که در دل نیز اعتراضی نداشته باشد.
 ۳. **تسلیم عملی،** «و یسلموا تسلیمًا» یعنی فرمان الهی را با تمام وجود اجرا کند.
- این همان حقیقت ولایت‌مداری است.^۱

رابطه امت و امام

وجود مقدس حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها فرمودند: «مَثَلُ الإمامِ مَثَلُ الكَعْبَةِ، إِذْ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي»^۲
امام، همانند کعبه است؛ مردم باید به سوی او بروند.^۲
این روایت بسیار عمیق است. امام محور هدایت است؛ این مردم هستند که باید خود را با مسیر ولایت هماهنگ کنند.
اگر جامعه‌ای از محور ولایت فاصله بگیرد، دچار تفرقه، انحراف و ضعف خواهد شد؛ حتی اگر امام معصوم در میان آنان حضور داشته باشد.
تاریخ امیرالمؤمنین علیه‌السلام بهترین شاهد این حقیقت است.
جامعه‌ای که در امتحان ولایت‌مداری سست‌عمل کرد، عدالت علوی را آن‌گونه که باید درک نکرد.

سخن امام صادق (ع) و مسئله یار واقعی

در روایتی معروف، مردی از اهل خراسان به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: شما صدها هزار طرفدار دارید؛ چرا قیام نمی‌کنید؟ امام علیه‌السلام در پاسخ، مسئله «یار واقعی» را مطرح کردند و فرمودند: ما زمانی اقدام می‌کنیم که یاران حقیقی و مطیع داشته باشیم.

۱. آیه ۶۵ سوره نساء و توضیحات برگرفته از میزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی و تفسیر

نمونه، ج ۴

۲. کفایة الأثر، ج ۱، ص ۱۹۷ از نرم‌افزار

در ادامه روایت، امام با امتحانی عملی، میزان اطاعت افراد را آشکار کردند و روشن شد که بسیاری از مدعیان، در میدان عمل اهل تبعیت نیستند.^۱ این روایت، یکی از مهم‌ترین درس‌های تربیتی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است:

ادعا فراوان است، اما یار حقیقی کسی است که در لحظه امتحان، مطیع ولایت بماند.

شهدا؛ جلوه معاصر ولایت‌مداری

در دوران معاصر، یکی از روشن‌ترین جلوه‌های ولایت‌مداری را در سیره شهدا مشاهده می‌کنیم.

شهید احمد رضا احدی، رتبه اول کنکور پزشکی، همه موقعیت‌های علمی و دنیوی را کنار گذاشت و به جبهه رفت؛ زیرا احساس کرد تکلیف، تبعیت از فرمان امام است.

وصیت مشهور او تنها یک جمله بود: «فقط نگذارید حرف امام به زمین بماند.» این جمله، عصاره مکتب شهداست.

شهدا ولایت را نه در شعار، بلکه در میدان عمل معنا کردند.^۲

جمع‌بندی

برادران و خواهران مؤمن؛

غدیر، فقط یک مناسبت تاریخی نیست؛ غدیر، معیار سنجش ایمان انسان‌هاست.

ولایت‌مداری یعنی:

شناخت حق، تبعیت از حق، صبر در مسیر حق و ماندن کنار ولیّ خدا در روزهای سخت.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام از کمبود یاران وفادار رنج می‌بردند؛ امام صادق علیه‌السلام از کمی مطیعان حقیقی سخن می‌گفتند؛ و امروز نیز جامعه اسلامی بیش از هر زمان به بصیرت، تبعیت و استقامت نیازمند است.

۱. بحارالانوار، ج ۴۷ و مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب

۲. مجموعه وصایای شهدا

از خدای متعال می‌خواهیم ما را از پیروان حقیقی ولایت قرار دهد؛ نه آنان که تنها در زبان مدعی‌اند، بلکه آنان که در میدان عمل، مطیع فرمان ولیّ خدا هستند.

اللهم اجعلنا من المتمسكين بولاية أمير المؤمنين و أولاده المعصومين
عليهم السلام.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.